



برای دریافت پاسخنامه سوالات به سایت زیر مراجعه  
فرمایید

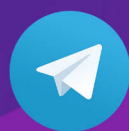
[www.20shoo.ir](http://www.20shoo.ir)

کلیه حقوق مادی و معنوی این سوالات متعلق به گروه آموزشی  
بیست و شو می باشد و کپی برداری و استفاده بدون ذکر  
منبع از لحاظ شرعی و قانونی مجاز نمی باشد



Instagram

[20shoo.ir](http://20shoo.ir)



telegram

[@ir20shoo](https://t.me/ir20shoo)



۱- عین ما فيه أسماء الجمع أكثر تنوعاً:

- ① لَنَسِيَتْ طَالِبَاتُ هَذِهِ الْمَدَارِسِ فِي مَيَادِينِ الْبِلَادِ.  
 ② تُسَاعِدُ الْأُمَهَاتُ الصَّادِقَاتُ فَقَرَاءَ الْمَدِينِ أَيَّامَ السَّنَةِ.  
 ③ يَخْرُجُ الْعَمَلَةُ الصَّابِرُونَ مِنْ قُرَاهِمِ يَطْلُبُونَ مَزَارِعَ كَبِيرَاتٍ لِلْعَمَلِ فِيهَا.  
 ④ أُولَئِكَ الْمُؤْمِنُونَ يَبْنُونَ بَيْوتاً كَثِيراً لِمَاكِينِ بِلَادِهِمْ.

۲- عین الصحيح فی ترجمه عبارتہ التالیہ:

أُمَهَاتُ الْأَطْفَالِ الصَّابِرَاتِ كُنَّ سَاكِنَاتٍ وَ مَا قُلْنَ كَلِمَةً لَّأَنَّهُنَّ كُنَّ لَا يَعْرِفْنَ شَيْئاً عَنِ الْمَوْضُوعِ.

- ① مادران صبور کودکان ساکت بودند و سخنی نگفتند زیرا ایشان در مورد موضوع چیزی نمی‌دانستند.  
 ② مادران کودکان شکیبای ساکت می‌بودند و کلمه‌ای نمی‌گفتند زیرا که ایشان چیزی در مورد مسئله نمی‌دانستند.  
 ③ مادران شکیبای کودکان خاموش ماندند و کلمه‌ای نگفتند زیرا آنها چیزی در مورد آن موضوع نمی‌دانستند.  
 ④ مادران کودکان صبور خاموش بودند و سخنی نمی‌گفتند زیرا که آنها چیزی در مورد آن موضوع ندانسته بودند.

۳- عین الصحيح فی ترجمه عبارتہ التالیہ:

- ① لِمَاذَا تَقُولِينَ بِلِسَانِكَ مَا لَيْسَ فِي قَلْبِكَ؟ چرا با زبانتان می‌گویید آنچه را که در دلتان نیست؟  
 ② لِنَذْكُرَ نِعْمَ اللَّهِ عَلَيْنَا إِذْ كُنَّا أَعْدَاءً نِعْمَتِ هَآءِ خُدا را باید بر خود به یاد آوریم آنگاه که دشمن بودیم.  
 ③ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَن فِي يَوْسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لَّنَا؟ آیا ندانسته‌ای که در (داستان) یوسف و برادران نشانه‌هایی برای ماست؟  
 ④ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُؤَلِّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ حَتَّى يُصْبِحَ أَخَوَاتٍ: خداوند می‌خواهد که میان دل‌ها همدلی ایجاد کند تا برادر شوند.

۴- عین الدَّقِّ فی ترجمه عبارتہ التالیہ:

هَؤُلَاءِ طَالِبَاتُ كُنَّ يَدْرُسْنَ كَثِيراً فِي مَكْتَبَةِ مَدْرَسَتِهِنَّ وَ يَتَمَلَّنَ هَاتِفِياً وَالدَّهْنَ بَعْضِ الْأَوْقَاتِ.

- ① این دانش‌آموزان در کتابخانه مدرسه‌شان بسیار درس می‌خواندند و گاهی اوقات با پدر و مادر خود تلفنی تماس می‌گرفتند.  
 ② این‌ها دانش‌آموزانی هستند که در کتابخانه مدرسه بسیار درس می‌خوانند و بعضی وقت‌ها با مادرش تماس تلفنی می‌گیرند.  
 ③ این دانش‌آموزان در کتابخانه مدرسه بسیار درس می‌خوانند و گاهی اوقات با پدر و مادرشان تلفنی صحبت می‌کنند.  
 ④ این‌ها دانش‌آموزانی هستند که در کتابخانه مدرسه خود بسیار درس می‌خواندند و گاهی اوقات با مادر خود تلفنی صحبت می‌کردند.

۵- عین ما لیس فیہ من الأفعال الناقصة:

- ① الطالبة المُجَدَّةُ تَكُونُ مِنْ أَحْسَنِ الطَّالِبَاتِ فِي الْمَدْرَسَةِ.  
 ② يُصَيِّرُ الْمُعَلِّمُ أُمُورَ تَلَامِيذِهِ سَهْلاً فِي الْمَدْرَسَةِ.  
 ③ يَقُولُ أَبِي: بَنَاتِي لَسْنَ فِي الْمَكْتَبَةِ هَذِهِ السَّاعَةِ.  
 ④ أَخَوَاتُنَا يُصْبِحْنَ مِنْ حَافِظَاتِ الْقُرْآنِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ.

۶- عین ما يَدَلُّ عَلَى الْمَاضِي الْبَعِيدِ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

- ① كَانَ ابْنُ الْمُقَفَّعِ يَعِيشُ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ.  
 ② كُنْتُ أَكْرَمَ وَالِدَيَّ كَثِيراً فِي تِلْكَ الْفَتْرَةِ مِنَ الزَّمَنِ.  
 ③ كَانَتْ هَذِهِ الطَّالِبَةُ تَعَلَّمَتْ دُرُوساً مَهْماً مِنْ أُمِّهَا.  
 ④ لَيْسَ لَدَيَّ جُوالٌ تَفَرَّغَ بَطَارِيَّتُهُ خِلالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

۷- عین الصحيح فی ترجمه عبارتہ التالیہ:

نَذْكُرُ نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْنَا إِذْ كُنَّا أَعْدَاءً فَأَلَّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِنَا فَأَصْبَحْنَا بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً.

- ① نعمت‌های خداوند را بر خود به یاد می‌آوریم آن‌گاه که دشمن بودیم پس میان دل‌های ما دوستی ایجاد کرد سپس با نعمت او برادران شدیم.  
 ② نعمت خداوند بر خودمان را به یاد می‌آوریم آن زمان که دشمنان شدیم پس میان قلب‌های ما محبت ایجاد کرد و با این نعمت با یکدیگر برادر شدیم.  
 ③ باید یاد کنیم از نعمت‌های خدا بر خود، آن زمان که دشمن شدیم و میان قلب‌های ما الفت ایجاد کرد و با نعمتش برادران شدیم.  
 ④ نعمت خداوند را بر خودمان به یاد می‌آوریم آن‌گاه که دشمن بودیم، پس میان دل‌های ما محبت ایجاد کرد پس با نعمت او برادر شدیم.

۸- عین اسم التفضیل (فاعلاً) و اسم المكان (مفعولاً به):

- ۱) كانت مكتبة جندی سابور فی خوزستان اكبر مكتبة فی العالم القديم! ۷) كان اكبر مكتبة فی العالم القديم مكتبة جندی سابور!  
۳) وهب الأفاضل من الخیرین مكاتب عديدة لمدارس بلدنا! ۴) أتى خیر الأنبياء و وهبنا میزان العدالة و التقوى.

۹- عین الصحيح فی ترجمة العبارات التالية:

- ۱) ظواهر الطبیعیة هی التي تُظهر لكم آیات الله: پدیده‌های طبیعت همان چیزی است که نشانه‌های خدا را برای شما آشکار می‌کند.  
۲) الفلاح یعلم أولاده كيف یغرسون الأشجار: کشاورز به فرزندان آموزش می‌دهد که چگونه درخت بکارند.  
۳) الأرض یرثها عبادی الصالحون عاقبة: در آینده زمین را بندگان شایسته به ارث می‌برند.  
۴) كانت رائحة بعض الأشجار كريهة و تؤذینا: بوی برخی از درختان زشت بود و ما را آزار می‌داد.

۱۰- عین الفاعل و المفعول به بصورة النكرة:

- ۱) آلف عدد من العلماء کُتِبَ فی المجلات التریبة و التعليم.  
۲) لیس شیء أثقل فی میزان من الخلق الحسن.  
۳) سعی شعراء کثیرون أن یکتبوا و یُنشدوا الملتحات الجمیلة مثل حافظ و سعدی و لم یوفقوا...  
۴) كان فی الصف طلاب جلسوا فی المقدمه عند السبورة.

۱۱- عین الخطأ فی ضبط حركات الكلمات:

- ۱) تزداد المفردات العربیة فی اللغة الفارسیة بعد ظهور الاسلام.  
۳) قبل وفاتها أوصت شیمل زملاها أن یشكلوا فریقاً للحوار الدینی.  
۷) الشعب الباكستاني یتكلم باللغة الأردیة.  
۴) الكلمات الفارسیة التي دخلت اللغة العربیة فقد تغيرت أصواتها.

۱۲- عین الأقرب للمفهوم للعبارة التالية:

المؤمن قليل الكلام و كثير العمل.

- ۱) من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها.  
۳) الكلام كالذواء قليله ینفَع و كثيره قائل.  
۷) إصبروا علی ما یقولون و اهجرهم.  
۴) كلم الناس علی قدر عقولهم.

۱۳- عین الصحيح فی ترجمة العبارات التالية:

- ۱) أكتتم تأمرون أهلكم بالصلاة والزكاة: آیا خانواده خود را به نماز و زکات فرمان می‌دادید؟  
۲) لقد كان فی يوسف و إخوته آیات للسانین: مسلماً در مورد یوسف و برادرش نشانه‌هایی برای سوال کنندگان است.  
۳) أوف بالعهد إن العهد كان مسؤولاً: به پیمان وفا کنید، مسلماً عهد و پیمان مسؤولیت دارد.  
۴) تقولون بالستكم ما لیس فی قلوبكم: با زبان‌هایتان آنچه را که در دلتان نیست می‌گویید.

۱۴- عین الأصح و الأدق فی الجواب للترجمة من أو إلى العربیة

«لما رأى الطیب أتى مصاب بالزكام الشدید و أيضاً عندی حمى شديدة، كتب لی وصفه تحتوی علی مقدار من الشراب و حبوب مسكنة!»:

- ۱) وقتی پزشک مرا دید که به زکام و تب شدید گرفتار شده‌ام، نسخه‌ای را که برایم نوشت محتوی مقداری شربت و قرص‌های مسکن بود!  
۲) پزشک وقتی دید من دچار زکام شدید هستم و نیز تب شدیدی دارم، نسخه‌ای برایم نوشت که محتوی مقداری شربت و قرص‌هایی مسکن بود!  
۳) طیب چون دید مبتلی به سرماخوردگی سخت و تب شدید هستم، برایم نسخه‌ای نوشت که در آن شربت بود و تعدادی قرص مسکن!  
۴) چون طیب دچار شدن مرا به سرماخوردگی شدید و نیز تب بالا دید، نسخه را برایم نوشت که آن شامل مقداری از شربت بود و قرص‌هایی مسکن!

۱۵- عین الترجمة لایوجد فیها خطأ:

- ۱) ذلك متجر زمیلی، له سراویل أفضل. آن مغازه همکارم است، او شلوارهای خوبی دارد!  
۲) كان ولدی یرید أرخص من هذا القميص الرجالی. فرزندم ارزان تر از این پیراهن مردانه می‌خواهد!  
۳) عليك أن تحسن أخلاقك العجیبة كما حسنتها. تو باید اخلاق عجیب را نیکو کنی، همانطور که من آن را نیکو کردم!  
۴) جاء زمیلی الصادق بعبوبی حتی یهدیها لی. همشاکردی صادق آمد تا عیب‌های مرا به من هدیه کند!



۱۶- عَيْنَ الْفَعْلِ النَّاقِصِ يَكُونُ خَبَرًا:

- ① هَذِهِ الطَّالِبَةُ لَيْسَتْ مِنْ طَالِبَاتِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.  
 ② اُولَئِكَ رِیَاضِیُّونَ اَصْبَحُوا مَشْهُورِیْنَ فِی كُلِّ الْعَالَمِ.  
 ③ تِلْكَ اَفْلامٌ حَدِیثَةٌ لَمْ یَكُنِ النَّاسُ شَاهِدُوها سَابِقًا.  
 ④ زَیْنَبٌ مُوَفَّقَةٌ صَارَتْ مُمَرِّضَةً لَوَالِدِها فِی الْمَدَّةِ الْاٰخِرَةِ.

۱۷- عَيْنَ حَرْفِ «لِ» تَخْتَلِفُ مِنْ حَيْثُ الْمَفْهُومِ:

- ① لِاجْتِنَابِ جَلِیْسِ السَّوِّ فِی كُلِّ الْاَیَّامِ.  
 ② هَذَا الدَّرْسُ صَعْبٌ، لِیَسَاعِدَكَ صَدِیقُكَ.  
 ③ اَنْ اَلْاَعْدَاءُ هَجَمُوا عَلٰی اَرْضِیْنَا، فَلِنَقَاتِلَهُمْ.  
 ④ لِانْجَاحٍ فِی الْاِمْتِحَانِ، حَاوَلْتُ كَثِیْرًا.

۱۸- عَيْنَ الْأَمْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

«در گذشته ادبای ما افتخار می کردند که از زبان قرآن برای نوشتن آثار خود استفاده می کنند!»

- ① فِی الْقَدِیْمِ اَدْبَاؤُنَا كَانِ یَفْتَخِرُونَ بِاَنْهَمُ مِنَ اللُّغَةِ الْقَرَّائِيَّةِ یَسْتَفِیْدُونَ لِكِتَابَةِ اَثَارِهِمْ!  
 ② كَانِ اَدْبَاؤُنَا فِی الْمَاضِی یَفْتَخِرُونَ بِاَنْهَمُ یَسْتَفِیْدُونَ مِنْ لُغَةِ الْقُرْآنِ لِكِتَابَةِ اَثَارِهِمْ!  
 ③ اَدِیْبَاتُنَا كَانَتْ یَفْتَخِرْنَ بِالاسْتِفَادَةِ مِنَ اللُّغَةِ الْقُرْآنِ لِكِتَابَةِ اَثَارِهِنَّ فِی الْمَاضِی!  
 ④ اَهْلُ اَدْبَانَا كَانِ یَفْتَخِرُ بِاَنْهَمُ سِیَسْتَفِیْدُونَ مِنْ لُغَةِ قُرْآنٍ لِكِتَابَةِ اَثَارِهِمْ فِی الْقَدِیْمِ!

۱۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ:

«تَأْثِیْرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِیَّةِ عَلٰی اللُّغَةِ الْعَرَبِیَّةِ قَبْلَ الْاِسْلَامِ اَكْثَرُ مِنْ تَأْثِیْرِها بَعْدَ الْاِسْلَامِ»

- ① تَأْثِیْرُ: اِسْمٌ - مَفْرَدٌ مَذْكَرٌ - مَصْدَرٌ عَلٰی وَزْنِ تَفْعِيلٍ / فَاعِلٍ  
 ② اللُّغَةُ: اِسْمٌ - مَفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ - مَعْرِفَةٌ (عِلْمٌ) / الْاَوَّلَى: مُضَافٌ اِلَیْهِ - الثَّانِیَّةُ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ  
 ③ اَكْثَرُ: اِسْمٌ - مَفْرَدٌ مَذْكَرٌ - اِسْمٌ تَفْصِیْلٍ / خَبَرٌ  
 ④ الْاِسْلَامُ: اِسْمٌ - مَفْرَدٌ - مَصْدَرٌ عَلٰی وَزْنِ اِفْعَالٍ / الْاَوَّلَى وَ الثَّانِیَّةُ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ

۲۰- عَيْنَ حَرْفِ «لِ» تَخْتَلِفُ مِنْ حَيْثُ الْمَفْهُومِ:

- ① لِیَعْتَمِدَ الطَّلَّابُ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ فِی الْمَجَالَّاتِ الْمُخْتَلَفَةِ.  
 ② نَحْنُ نَتَنَاوَلُ الزَّمَانَ لِتَكْوِیْنِ الْكِرِیَّاتِ الْحَمَرَاءِ.  
 ③ التَّلْمِیْذُ الْكَسْلَانِ لِیُنَبِّهَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ.  
 ④ الْكَذِبُ عَمَلٌ قَبِیْحٌ، لِتَجَنَّبِهِ.

۲۱- عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي یَخْتَلِفُ فِيهَا مَعْنَى الْأَفْعَالِ النَّاكِصَةِ:

- ① «... اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً»  
 ② اَنْتَ تَصِیْرُ قَدْوَةً لَزِمِیْلَاتِكَ فِی الْاَخْلَاقِ وَالْدَّرْسِ.  
 ③ اَصْبَحْنَا مُتَوَكِّلِیْنَ عَلٰی اللَّهِ وَ مُعْتَمِدِیْنَ عَلٰی قُدْرَتِنَا.  
 ④ الْأُمَهَاتُ كُنَّ مُنْتَظَرَاتٍ لِیَصِلَ اَوْلَادُهُنَّ اِلَى الْبَیْتِ.

۲۲- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ وَ مَحَلِّهَا الْإِعْرَابِيِّ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:

مَا كَانَتْ الطَّالِبَتَانِ مُسْتَعِدَّتَيْنِ تَتَوَافَقُ الْأُسْتَاذَةُ تُوَجَّلُ لَهُمَا الْإِمْتِحَانُ.

- ① الطَّالِبَتَانِ: اِسْمٌ، مثنى، معرفه، اسم الفاعل / اسم فعل ناقص و مرفوع  
 ② مُسْتَعِدَّتَيْنِ: اِسْمٌ، مثنى، معرفه، اسم الفاعل المزيّد / خبر كان و منصوب  
 ③ تَوَافَقَ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْمُخَاطَبِ، مَزِيدٌ ثَلَاثِیْ مَصْدَرُهُ مُوَافَقَةٌ / فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ الْاِسْتَاذَةُ  
 ④ تُوَجَّلَ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ مُنْصَوْبٌ، مِنْ بَابِ تَفَعَّلَ، لِلْغَائِبَةِ / فِعْلٌ وَ فَاعِلٌ

۲۳- عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهَا الْجَمْعُ مِنْ أَنْوَاعِهِ الثَّلَاثَةِ:

- ① الْكَلِمَاتُ الْفَارْسِیَّةُ الَّتِي دَخَلَتْ اللُّغَةُ الْعَرَبِیَّةُ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصْوَاتُهَا وَ أَوْزَانُهَا  
 ② إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ.  
 ③ «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْسَّانِلِیْنَ»  
 ④ «وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»

۲۴- عین الخطأ فی ضبط حركات الحروف:

- ① أتقى الناس من قال الحق في ما له و ما عليه!  
 ② العنب البرازيلي شجرة تختلف عن باقي أشجار العالم!  
 ③ الدلافين تساعد الإنسان على اكتشاف أماكن تجمع الأسماك!  
 ④ لكثير من الشعراء البيرانيين ملمعات، منهم حافظ الشيرازي!

۲۵- عین الصحيح فی ترجمه العبارات التالية:

- ① الطلاب كانوا يسوقون السيارة إلى القرية قبل أسبوعين: دانشجویان هفته قبل به سوی روستا رانندگی می کردند.  
 ② قالت الصيدليّة لنا: ليس بيعها بدون وصفة مسموحاً: داروسازی به ما گفت: فروش آنها بی نسخه دکتر مجاز نیست.  
 ③ الإنسان الكذاب قد يضطر إلى الكذب مرات: انسان بسیار دروغگو گاهی بارها مجبور به دروغ گفتن می شود.  
 ④ تعلمنا الحياة درساً لن ننساه: گاهی زندگی به ما درسی می دهد که هرگز فراموش نخواهیم کرد.

۲۶- عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّعريب :

«مسلمانان در جستجوی علوم، به دورترین نقطه کره زمین سفر می کردند!» :

- ① كان المسلمون يرحلون إلى أقصى الأرض باحثين عن العلوم!  
 ② كانوا المسلمون يرحلون إلى أقصى الأرض يبحثون عن العلوم!  
 ③ المسلمون كان يسافرون إلى أقصى كرة الأرض و هم يبحثون عن العلم!  
 ④ إن المسلمين كانوا يسافرون إلى أبعد نقاط الأرض و هم باحثين عن العلوم!

۲۷- عین الخطأ فی المحلّ الاعرابی:

- ① المفردات الفارسيّة دخلت اللّغة العربيّة منذ العصر الجاهليّ: مفعول  
 ② للفيروز آبادي معجم مشهور باسم القاموس: خبر  
 ③ نطقها العرب وفقاً لألسنتهم: فاعل  
 ④ واشتقوا منها كلمات أخرى: صفت

۲۸- عین الخبر ليس اسم التّفصيل:

- ① أحبّ عبد الله الى الله أنفعهم لعباده!  
 ② تفكّر ساعة خير من عبادة سبعين سنة!  
 ③ في متجر زميلي سراويل أفضل و لها أسعار أرخص!  
 ④ من غلبت شهوته عقله فهو شر من البهائم!

۲۹- عین غير المناسب للمفهوم:

- ① لن يهلك امرؤ عرف قدر نفسه! جایی بنشین که برنخیز انددت!  
 ② كان إرضاء الناس غاية لا تدرك! زندگی به مراد مردم نتوان کرد!  
 ③ المرء على دين خليله و قرينه! تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که تو کیستی!  
 ④ عاتب أخاك بالإحسان إليه! عتاب دوست خوش باشد و لیکن مر آن را نیز پایانی بپاید!

۳۰- عین الصحيح فی التحليل الصرفی أو المحلّ الاعرابی:

«أصبَحَ»

- ① فعل ماضی - للغائب - مزيد ثلاثی (مصدره علی وزن افعال) - فاعله هو  
 ② فعل ماضی - للغائب - مزيد ثلاثی و له حرف زائد  
 ③ فعل ماضی - مزيد ثلاثی - من افعال ناقصه و فاعله هو  
 ④ فعل - حروف الاصلیه (ص ب ح) - مجرد ثلاثی

۳۱- عین «تَبَتَّسِمُ» يدلّ علی الاستمرار فی الماضي:

- ① إن هذه المرأة تبّتسّم علی أولادها بمحبّة.  
 ② أشاهد فی الحديقة طفلة صغيرة تبّتسّم علی أمّها.  
 ③ تدخل المعلمة الصفّ و هي تبّتسّم علی الطالبات.  
 ④ خرّجت الفلاحة من المزرعة و هي تبّتسّم علی زميلاتها.

۳۲- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.»

- ① اذكروا: فعل امر، جمع مذكر مخاطب، متعد، مبني / فعل و فاعله ضمير بارز واو  
 ② أعداء: اسم، جمع التكسير، مفردة عداوة، معرب، معرفه / خبر فعل ناقص كنتم  
 ③ أَلَّفَ: فعل ماضٍ، مفرد مذكر غائب، مزيد ثلاثي، باب تفعّل، مبني، معلوم، متعد / فعل و فاعله ضمير مستتر هو  
 ④ أَمْصَحْتُمْ: فعل ماضٍ، جمع مذكر مخاطب، مبني، معلوم / فعل و فاعله ضمير تم

۳۳- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:

كانت تلميذات القرية الجميلة يلعبن بالكرة على الشاطئ و بعد اللعب يصبرن نشيطات.

- ① دانش آموزان روستای زیبا با توپ کنار ساحلی بازی می کردند و بعد از بازی با نشاط شدند.  
 ② دانش آموزان زیبای روستا با توپ کنار ساحل بازی می کنند و بعد از بازی فعال می شدند.  
 ③ دانش آموزان روستای زیبا با توپ کنار ساحل بازی می کردند و بعد از بازی با نشاط می شدند.  
 ④ دانش آموزان زیبای روستا با توپ کنار ساحلی بازی می کنند و بعد از بازی فعال می شوند.

۳۴- عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

عَيِّنِ «مَا» الْمَوْصُولَةَ مَرْفُوعًا:

- ① ما كان عندي ما أدفعه لأداء ديني!  
 ② إنَّ العاقل صبور و إن يفقد ما يحبّه كثيرًا!  
 ③ أريد أن أصلح ما ضيعته في حياتي حتّى الآن!  
 ④ إنَّ الناس سيجدون جميع ما يعملونه حاضرًا أمامهم!

۳۵- عَيِّنِ الْأَدَقَّ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:

كانت المزارعات يستخدمن شجرة النقط كسياج مُحكمٍ حول مزارعٍ يحفظُ محاصيلهنَّ.

- ① کشاورزان درخت نفت را به عنوان پرچینی محکم پیرامون مزرعه شان که محصولاتشان را حفظ می کند، به کار می گیرند.  
 ② زنان کشاورز درخت نفت را همانند پرچین محکم پیرامون کشتزارهایی که محصولات آنها را نگه می دارد، به کار می گیرند.  
 ③ کشاورزان درخت نفت را به عنوان پرچینی محکم به دور مزرعه هایی که محصولاتشان را حفظ می کرد، به کار می گرفتند.  
 ④ زنان کشاورزان درختان نفت را همانند پرچین محکمی به دور مزرعه هایشان که محصولشان را نگه می داشت، به کار می گیرند.

۳۶- عَيِّنِ فِعْلًا مِنَ الْأَفْعَالِ النَّاْقِصَةِ يَدُلُّ عَلَى التَّغْيِيرِ وَ التَّحَوُّلِ:

- ① كَانَ الطَّلَابُ جَالِسِينَ عَلَى كُرَاسِيهِمْ فِي الصَّفُوفِ.  
 ② صَارَتِ الْفَلَّاحَةُ نَشِيطًا فِي أُمُورِهَا الزَّرَاعِيَّةِ.  
 ③ لَيْسَ الْمُؤْمِنُونَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مَأْيُوسِينَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.  
 ④ هَوَّلَتِ الْأُمَهَاتُ كَيْنَ يُسَاعِدُنَ أَوْلَادَهُنَّ فِي دُرُوسِهِنَّ.

۳۷- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْأَفْعَالِ النَّاْقِصَةِ:

- ① لَيْكُنْ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيْكَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ.  
 ② أَتَمِيرِينَ مَعْلَمَةً بَعْدَ دِرَاسَتِكَ فِي الْجَامِعَةِ؟  
 ③ لَسْتُ مُنْكَاسَلَاتٍ فِي أُمُورِكُنِ الْمَهْمَةُ يَا طَالِبَاتِي.  
 ④ الْعَالَمُ يَتَكَوَّنُ مِنَ الْمَوَادِّ الْكَثِيرَةِ الَّتِي خَلَقَهَا اللَّهُ تَعَالَى.

۳۸- عَيِّنِ الْخَبَرَ يَخْتَلِفُ فِي الْإِعْرَابِ:

- ① الموسوعة معجمٌ يجمعُ فيه كثيرٌ من العلوم.  
 ② في تلك المزرعة الوسيعة الفلاحةٌ مجدهٌ في أعمالها الكثيرة.  
 ③ لَيْسَ الْغَنَى فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ غَافِلًا عَنْ أَحْوَالِ فَقَرَاهَا.  
 ④ أَنْتَ مُسْؤُولٌ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ أَيْضًا.

۳۹- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- ① كَانَتِ الطَّالِبَةُ نَاجِحَةً فِي تَعَلُّمِهَا.  
 ② أَصْبَحَ الْهَدَفُ الْأَعْلَى إِتْحَادَ الْمُسْلِمِينَ.  
 ③ صَارَتِ الْمُعَلِّمَاتُ الْمُشْفِقَاتُ مُشْتَاقَاتٍ لِزِيَارَتِنَا.  
 ④ لَسْتُ مُؤَثَّرَةً فِي تَغْيِيرِ هَذِهِ الْأُمُورِ.



۴۰- عین الخطأ فی ضبط حركات الكلمات:

- ۱) كُتِمَ خَيْرٌ أَمَّهُ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ.  
۲) الطَّالِبَاتُ يَنْظِفْنَ غُرْفَتَهُنَّ فَأَصْبَحَتِ الْغُرْفَةُ نَظِيفَةً.  
۳) تَلَكَّ الطَّالِبَةُ مَارِثَ نَاجِحَةٍ فِي الْإِمْتِحَانِ.  
۴) كَانَتْ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مَثَاتٌ مِنَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

۴۱- عین الخطأ فی ضبط حركات الكلمات:

- ۱) كَانَتْ لَهُمْ قُلُوبٌ مَمْلُوءَةٌ بِحُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ (ع).  
۲) أَصْبَحَ الطَّالِبَانِ مُتَقَدِّمِينَ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ.  
۳) نَظَّفَنَ مَدْرَسَتَهُنَّ حَتَّى تَصِيرَ جَمِيلَةً.  
۴) لَيْسَتْ بَعْضُ مِنَ اللُّغَاتِ مُتَضَمِّنَةً لِلْمَفْرَدَاتِ الْكَثِيرَةِ.  
۵) يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً.  
۶) تُصْبِحُ الطَّالِبَتَانِ الْمُجِدَّتَانِ فِي الْمَدْرَسَةِ مُتَمَازَتَيْنِ بَيْنَ الطَّالِبَاتِ.  
۷) لَيْسَتْ فَلَاحَاتِ الْقَرْيَةِ فِي مَرَارِعِهَا الْكَبِيرَةِ.  
۸) أَيُّهَا الرَّجُلُ هَلْ كُنْتَ أَحْسَنَ الرِّجَالِ فِي الْمَدِينَةِ؟

۴۲- عین الخطأ فی ترجمه عبارات التالية:

- ۱) وَ كُتِمَ تَسْتَرِيحُونَ فِي مَسَاكِنِكُمْ يَا مُؤْمِنِي الْبِلَادِ: دَر مَسْكَن‌های خُود ای مُؤْمِنان كُشُور استراحت می‌كرديد.  
۲) اِسْتَعْفِرَنَّ اللّٰهَ فَإِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا: اَز خُداوند طَلَب بخشش كنيد زيرا كه او اَمَرزنده بود.  
۳) كَانَ يَعْرِفُ الْمُجْرِمَ تِلْكَ اللَّحْظَةَ بِسِيْمَاءِهِ: خُطاكار اَز چهره‌اش در آن لحظه شناخته می‌شد.  
۴) إِنَّكَ مَسْؤُولُهُ كَثِيرًا حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ: هَمانا تو بسيار مَسْئُول هستی حَتَّى در مُورِد زمین‌ها و چارپایان.

۴۳- عین الخطأ فی ضبط الحركات الكلمات:

- ۱) مَنْ يَكْتُبِ الْوَأَجِبَاتِ يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.  
۲) مَنِ يَكْتُبِ الْوَأَجِبَاتِ يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.  
۳) مَارِ مُسْلِمُو الْبِلَادِ بَعِيدِينَ عَنِ الرِّذَائِلِ الْأَخْلَاقِيَّةِ.  
۴) هِيَ تَشَاهَدُ الْأَسْمَاكَ الَّتِي تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ.  
۵) مَا كَانَ عِنْدَهُ ضَغْطُ الدَّمِ.

۴۴- عین الصحيح حسب التوضيحات التالية:

- ۱) الْمُنْشَغَفُ: قِطْعَةُ قُمَاشٍ تُوضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.  
۲) الشَّهَادَةُ: هِيَ الْقِيَمُ الْمَشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ.  
۳) الْمَهْرَجَانُ: مِنْ مَظَاهِرِ التَّقَدُّمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَ الصَّنَاعَةِ وَ الْأَدَبِ.  
۴) الْمُدَاعُ: أَلَمٌ شَدِيدٌ فِي رَأْسِ الْإِنْسَانِ.

۴۵- عین الصحيح يختلف عن الباقي:

- ۱) أَحْسَنُ الْخُلُقِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.  
۲) أَحْسَبُ الْجَوْ لَطِيفًا فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ.  
۳) كَانَ الْمُؤْمِنُ يُسَاعِدُ الْفُقَرَاءَ فِي تِلْكَ الْمِنْطَقَةِ الْمَحْرُومَةِ.  
۴) لَيْسَتْ الْفَوَاكِهِ طَازِجَةً هَذِهِ السَّنَةِ وَ لَا يُحِبُّ النَّاسُ أَنْ يَأْكُلُوهَا.

۴۶- عین الصحيح فی ترجمه عبارات التالية:

- ۱) أَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا: اَز لطف خُدا طَلَب می‌كنم مسلماً خُداوند به هر چیزی آگاه بوده است.  
۲) يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ: با دهان‌هایشان می‌گویند آنچه را كه در دل‌هایشان نیست و خُداوند به آنچه كه پنهان می‌كنند آگاه‌تر است.  
۳) مَارِثَ الْأُمِّ مُصَابَةٌ بِمَرَضٍ مَعَ حَمَى شَدِيدَةٍ: مادرِ به بیماری با تب شدید مبتلا شده است.  
۴) لَا يَجُوزُ شَرَاءُ بَعْضِ الْأَدْوِيَةِ إِلَّا مِنَ الْمَصِيدَلِيَّةِ: خريد برخی از داروها جز از داروخانه‌ها ممكن نمی‌شود.

۴۷- عین الصحيح يختلف عن الباقي:

- ۱) وَجَدْنَا سَيَّارَاتٍ تَنْقَلِبُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ.  
۲) سَمِعْتُ أَصْوَاتَ عَجِيبَةٍ مِنَ الْجِبَلِ.  
۳) الْمُسْلِمَاتُ لَنْ يَطْلُبْنَ الْإِخْتِلَافَ بَيْنَ الْأُسْرَةِ.  
۴) شَاهَدْتُ كَثِيرًا مِنَ الْإِتِّشَارَاتِ فِي شَارِعِ انْقِلَابِ.

۴۸- عین الخطأ فی ضبط حركات الكلمات:

- ۱) الْمِسْكُ عَطَرٌ يَتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغُرْلَانِ.  
۲) أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً.  
۳) أَيْ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللَّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ?  
۴) إِزْدَادَاتِ الْمَفْرَدَاتِ الْعَرَبِيَّةِ فِي اللَّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

– عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- ① الْإِمْتِحَانَاتُ تُسَاعِدُ الطَّلَابَ لِتَعْلُمِ دُرُوسِهِمْ.  
 ② لَا تَظْلَمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنِ إِلَى النَّاسِ.  
 ③ هِيَ تَتَكَلَّمُ مَعَ بَعْضِ زَمِيلَاتِهَا لِجَمْعِنِ ثَوَدَهَنَ لِشِرَاءِ الْكُتُبِ.  
 ④ الْقُرْآنُ يَأْمُرُ الْمُؤْمِنَ أَلَّا يَسْبُ مَعْبُودَ الْمُشْرِكِ.

۵۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ① لَا تُسْتَشِيرُوا الْكَذَّابِينَ فَإِنَّهُمْ كَالسَّرَابِ: با دروغگویان مشورت نمی‌کنید زیرا که آنها همانند سراب هستند.  
 ② كَانَ الْمُعَلِّمُونَ يُوزَعُونَ أَوْرَاقَ الْإِمْتِحَانِ: معلم‌ها برگه‌های امتحان را پخش می‌کنند.  
 ③ لَنْ أَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ فِي الْمَكْتَبَةِ فِي السَّاعَةِ الْتَّاسِعَةِ: نمی‌توانم در ساعت نه در کتابخانه حاضر شوم.  
 ④ يُوَافِقُ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجَّلَ لِلطَّلَابِ إِمْتِحَانُهُمْ: استاد موافقت می‌کند که برای دانشجویان امتحانشان را به تأخیر بیندازد.

۵۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيبِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:

در زبان عربی صدها کلمه عربی‌شده دارای ریشه فارسی وجود دارد.

- ① فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مَنَاتٌ كَلِمَةٌ مَعْرَبَةٌ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارْسِيَّةِ.  
 ② هُنَاكَ مَنَاتٌ الْكَلِمَةُ الْمَعْرَبَةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ذَاتُ أَصْلٍ فَارْسِيٍّ.  
 ③ مَنَاتٌ الْكَلِمَةُ الْمَعْرَبَةُ تَوْجَدُ فِي لُغَةٍ عَرَبِيَّةٍ ذَاتُ الْأُصْلِ الْفَارْسِيٍّ.  
 ④ هُنَاكَ مَنَاتٌ كَلِمَةٌ مَعْرَبَةٌ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارْسِيَّةِ.

۵۳- عَيْنُ «كَانَ» يَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى عَنِ الْبَاقِي:

- ① كَانَ مُعَلِّمُو الْمَدَارِسِ مُشْفِقِينَ فِي أُمُورِ طُلَّابِهِمْ.  
 ② تِلْكَ الْأَمَّ كَانَتْ فِي الْبَيْتِ مَشْغُولَةً بِتَرْيِيهِ وَلَدِهَا.  
 ③ رَأَيْتُ الطَّالِبِينَ فِي الْمَكْتَبَةِ وَ هُمَا كَانَتَا مُجَدِّتَيْنِ فِي فَهْمِ دُرُوسِهِمَا.  
 ④ كَانَ رَبَّنَا الْكَرِيمَ لِعِبَادِهِ غَفُورًا رَحِيمًا.

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

حینما نذهب إلى المناطق الحارة قد نشاهد مناظر جذابة من بعيد، و بعد أن نقترّب منها، نرى أشجار النخل الجميلة. كما أنّ لهذه الشجرة أهمية مادية كبيرة، حيث يشكّل نوع منها في بعض المناطق أساساً لمعيشة الكثير من السكان، كما أنّه غذاء رئيسي في بعض المناطق الصحراوية، و بعض أثمارها تجفّف و تُرسل إلى مناطق أخرى!

للنخل أنواع مختلفة، حيث يوجد حوالي ۱۵۰۰ نوع يختلف مع بعضها؛ فمن أنواعه نخيل التمر الذي يُعتبر (=يُعدّ) من أهمّها، و نخيل الزيت الذي يُستعمل في صنع الصابون و موادّ التجميل! يبلغ ارتفاع النخل ۲۷ متراً و جذعه خشن جداً، لأنّه عبارة عن بقايا غصن النخل الذي يسقط أو يُقَطّع عند نمو الشجرة الكثير!

۵۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ① يُجَفِّفُ التَّمْرُ فِي الْمَنَاطِقِ الَّتِي يُرْسَلُ إِلَيْهَا!  
 ② نَرَى النَّخْلَ جَذَاباً مِنَ الْبَعِيدِ وَ مِنَ الْقَرِيبِ!  
 ③ إِنْ كَانَ التَّمْرُ أَسَاساً لِلْمَعِيشَةِ لَا يُرْسَلُ إِلَى الْمَنَاطِقِ الْأُخْرَى!  
 ④ بَعْضُ سَاكِنِي الْمَنَاطِقِ الصَّحْرَاوِيَّةِ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَأْكُلُوا إِلَّا التَّمْرَ!

۵۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ شَجَرَةِ النَّخْلِ:

- ① يَبْلُغُ ارْتِفَاعُهَا إِلَى سَبْعَةِ وَ عَشْرِينَ مِثْرًا لَكِنْ غُصُونُهَا أَكْثَرُ طَوْلًا وَ خَشُونَةً!  
 ② أَنْوَاعُهُ مُتَعَدِّدَةٌ تَصِلُ إِلَى أَلْفٍ وَ خَمْسِمِائَةٍ وَلَكِنْ أَثْمَارُهَا مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ!  
 ③ لِمَنْطَقَةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا وَ فِيهَا التَّمْرُ يُعْرَفُ كِمَادَّةٍ غِذَائِيَّةٍ!  
 ④ أَهَمُّ أَنْوَاعِهَا نَخِيلُ التَّمْرِ وَ نَخِيلُ الزَّيْتِ!

۵۶- عَيْنُ الْخَطَا: مِنْ فَوَائِدِ النَّخْلِ أَنَّهُ ...

- ① مَنَاطِرُهُ رَاضِعَةٌ جَدًّا فِي الْمَنَاطِقِ الْحَارَّةِ الَّتِي لَانَرَى فِيهَا أَشْجَارًا خَضِرًا!  
 ② مَادَّةٌ غِذَائِيَّةٌ مَفِيدَةٌ يَنْمُو فِي الْمَنَاطِقِ الْبَارِدَةِ وَ تَعْتَبَرُ ثَمَرَتُهُ غِذَاءً رَئِيسِيًّا!  
 ③ تُصْنَعُ مِنْ ثَمَرَتِهِ مَوَادٌّ تَسْتَعْمَلُ فِي زِينَتِهِ وَ تَجْمِيلِ النَّاسِ!  
 ④ تُسْتَخْدَمُ ثَمَرَتُهُ فِي الْمَوَادِّ الَّتِي نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا لِلنِّظَافَةِ!



۵۷- عین الخطا: جذع النخل خشن جداً لأنه ...

- ① یفرق رأس الغصن و انتهاؤه فيقطع رأسه فقط!  
 ② عندما يجف الغصن لا يسقط من الجذع إلا رأسه!  
 ③ يقطع الفلاحون الغصن القديم بعض الأحيان و يبقى أثره!  
 ④ النخل هكذا في خلقته و هو ما بقي من جذوع تسقط!

۵۸- عین الصحيح فی الإعراب و التحليل الصرفی:

«نُشاهد»:

- ① مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ن ش ه) - معلوم / مع فاعله جملة فعلية  
 ② مضارع - للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي / فعل و مع فاعله جملة فعلية  
 ③ فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن «فاعل») - مجهول / فعل و مفعوله «مناظر»  
 ④ للمتكلم وحده - مزيد ثلاثي (مصدره: مشاهدة، من وزن مفاعلة) / مع فاعله جملة فعلية

۵۹- عین الصحيح فی الإعراب و التحليل الصرفی:

«تُرسل»:

- ① فعل مضارع - للغائب - معلوم / فعل و جملته فعلية  
 ② للمخاطب - مزيد ثلاثي (مصدره على وزن إفعال) / فعل و مع فاعله جملة فعلية  
 ③ الغائبة - مزيد ثلاثي (ماضي: «أرسل» على وزن أفعل) - مجهول / فعل و الجملة فعلية  
 ④ مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ر س ل) - مجهول / فعل و فاعله محذوف، و الجملة فعلية

۶۰- عین الصحيح فی الإعراب و التحليل الصرفی:

«ارتفاع»:

- ① مفرد مذكر - مصدر (من وزن انفعال) / فاعل لفعل «يبلغ»  
 ② اسم - مفرد مذكر - مصدر (من وزن افتعال) / فاعل لفعل «يبلغ»  
 ③ مفرد مذكر - فعله «ارتفع» على وزن «انفعل» / مضاف، و المضاف إليه «النخل»  
 ④ اسم - جمع مكسر أو تكسير - حروفه الأصلية «ر ف ع» / مضاف و المضاف إليه «النخل»

گروه آموزشی بیست و شو

WWW.20SHOO.IR